

«به نام خدا»

روشن‌شناسی، معانی و کاربرد روش‌ها

در تحقیقات کیفی

نویسنده و پژوهشگر:

دکتر مهران سهراب زاده

استادیار دانشگاه کاشان

سرشناسه	۱	سهرابزاده، مهراڻ، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پديدآور	۲	روش شناسي، معاني و کاربرد روش‌ها در تحقيقات کيفي : مهراڻ سهرابزاده
مشخصات نشر	۳	تهران: سخنوران، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري	۴	۱۸۰ ص
شابک	۵	۹۵۰۰۰ ريال ۲-۳۸-۶۹۷۵-۶۰۰-۹۷۸
وضع فهرست‌نويي	۶	فبا
وضع بند کتبي	۷	تحقيق کيفي - روش شناسي
وضع کتبخانه	۸	۶۲HD/۹۹/۱۳۹۲
وضع کتبخانه	۹	۰۰۱۳۳۲
شماره کتابخانه	۱۰	۳۱۶۸۲۴۲



کلرگ شمالی، بعد از انوردد برون، شماره ۱۴۰۷، طبقه اول

تلفن: ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳ - ۰۶۶۴۷۶۳۰۶

Sokhanvaran_pub@yahoo. Com



روش شناسي، معاني و کاربرد روش‌ها در تحقيقات کيفي

ناشر: سخنوران	✱	مؤلف: مهراڻ سهرابزاده
حروفچيني و صفحه‌آرایی: سخنوران	✱	
ليتوگرافي، چاپ، صحافي: فرسيما	✱	چاپ اول: ۱۳۹۲
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳	✱	شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۵-۳۸-۲	✱	طراح جلد: مهدي محمودي
	✱	قيمت: ۹۵۰۰۰ ريال

حق چاپ محفوظ است.

پیشگفتار

همواره در حوزه‌های تحقیقاتی روش‌های گوناگونی مانند روش‌های تبیینی، توصیفی، هنجاری، تاریخی، تجربی، انتقادی، ایده‌آلیستی، رئالیستی و روش‌های مبتنی بر ستیز و یا وفاق و روش‌های کلان و خرد کاربرد دارند. در درون این روش‌ها نیز نظریاتی وجود دارند. این روش‌ها، که در علوم مختلف اجتماعی و طبیعی استفاده می‌شوند، اموری نیستند که روش‌شناس آن‌ها را بدون پیشینه و زمینه معرفتی خود، گزینش و انتخاب نماید و درست یا غلط بخواند. روش‌شناس برای داوری معرفتی خود ضمن آن که به موضوع، هدف و سطح تحقیقی که روش برای آن به کار گرفته می‌شود، نظر می‌کند، از مبانی فلسفی و نظریات علمی خود نیز استفاده می‌کند. مبانی فلسفی همان‌گونه که در تکوین نظریه‌های علوم اجتماعی و انسانی دخیل هستند، بر روش‌هایی که به تولید نظریه منجر می‌شوند و یا در کاربرد نظریه دنبال می‌گردد نیز مؤثر می‌باشند. هیچ‌کدام از نظریه‌های موجود جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی وجود ندارد که در ذیل یکی از فلسفه‌های موجود نباشد. جامعه‌شناسی، پدیدارشناختی و نئوپوزیتیویستی نظریاتی هستند که ضمن اقتضای شیوه‌های معرفتی و روش‌شناختی خاص خود، در حاشیه پدیدارشناسی هوسرل شکل گرفته‌اند. مکتب کنش متقابل نمادین با روش‌های خود از فلسفه پراگماتیستی ویلیام جیمز تأثیر می‌پذیرد. جامعه‌شناسی ماکس وبر و روش‌شناسی تفهیمی او از رویکرد فلسفی دیلتای به موضوعات انسانی و از نگاه پوزیتیویستی به علم و معرفت بهره می‌برد. روش‌های علمی کنت و دورکیم در تکوین نظریات جامعه‌شناختی، به توصیف و نگرش

پوزیتیویستی آن‌ها نسبت به معرفت علمی باز می‌گردد. این‌ها همه شواهدی است که نشان‌دهنده تأثیر بنیان‌های فلسفی و معرفتی در تکوین نظریات و روش‌های مختلف علوم می‌باشند. اما آیا روش اسلامی نیز وجود دارد آیا در حاشیه فلسفه‌ها و انگاره‌های اسلامی، که درباره انسان و جهان وجود دارد، در حوزه علوم اجتماعی روش خاصی هم وجود دارد؟ آیا در حاشیه عرفان اسلامی، روش‌شناسی خاصی برای تولید نظریه‌های اجتماعی و نظریه‌های سیاسی می‌تواند وجود داشته باشد؟ آیا در حاشیه حکمت مشاء یا اشراق، روش‌شناسی خاصی برای تولید نظریه‌های اجتماعی هست؟ روش‌شناسی بنیادین بدین معناست؛ یعنی مجموعه‌ای از مواد و روش به معنی عام خود. البته باید توجه داشت، همان‌گونه که روش بنیادین مبتنی بر برخی اصول موضوعه است، هیچ روش عامی که به هیچ اصل موضوعی تکیه نکند وجود ندارد، حتی خود منطق ارسطویی، چندین گزاره هستی‌شناختی دارد. در چهارچوب یک روش بنیادین، رویکردهای متفاوتی می‌تواند شکل گیرد.

دنیای مدرن با همه تنوعی که دارد، یک روش متناسب با خود در قلمرو علوم انسانی دارد و در مقاطع مختلف این روش محدودتر می‌شود. آن مبنای معرفت‌شناسی عامی که بر دنیای مدرن سنگینی می‌کند، روشنگری بوده و در درون این روشنگری رویکردهای مختلفی نهفته است که تعیین‌های مختلفی ایجاد می‌کند. پوزیتیویسم یکی از این‌هاست. اما وجه مشترک همه این رویکردها، یک جنبه سلبی است و آن انکار وحی و نفی مرجعیت شناخت شهودی برای معرفت علمی است. به همین دلیل، در دنیای مدرن، رمانتیسم‌ها را ضد مدرن می‌گویند؛ زیرا این گروه به شهود روی آورده‌اند. سکولاریسم به معانی این جهانی دیدن و این جهانی تفسیر کردن عالم، مبانی مشترک هستی‌شناختی جهان مدرن است و خود اشکال گوناگونی دارد؛ ماتریالیسم یکی از آن‌هاست. این مبنای هستی‌شناختی بر نوع نظریات جهان مدرن تأثیر بسیار گذاشته است. هم‌چنین اومانیسم اصالت انسان نیست، بلکه به معنای اصالت انسان این جهانی است و این نیز مبنا و بنیان انسان‌شناختی جهان مدرن است و روش خاصی را در حوزه معرفت علمی به دنبال می‌آورد. در جهان مدرن، هر چیزی را که از چهارچوب اصول فوق خارج باشد، علم

نمی‌دانند. بنابراین، همه آنچه در قرون وسطی و همه آنچه در دنیای اسلام علم نیست، اُبژه علم است؛ زیرا علم باید در ذیل این اصول باشد و فقط در این چارچوب اندیشه‌ورزی گردد. به عنوان نمونه، تاریخ‌نگاری مقدّس، علم نیست چون در یک جغرافیای قدسی رخ می‌دهد که در آنجا فرشته و شیطان حضور دارند و هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن چیز دیگری است. تشیع نگاه خاصی به هستی دارد. در نتیجه، علم و روش متناسب با خود را نیز دارد. باید آن مبانی و اصول شناخته شوند و روش متناسب با آن در حوزه مسایل اجتماعی، جامعه‌شناسی، تاریخ‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی ایجاد شود. در حاشیه فلسفه ویلیام جیمز و در حاشیه فلسفه جان دیوئی یک نوع علم تعلیم و تربیت تولید می‌شود و در حاشیه مکتب اشراق نوعی دیگر. حکمت مشاء و اشراق و حتی جریان‌های کلامی و رویکردهای نقل‌گرایانه که در تاریخ اسلام هستند، هر کدام اصول، مبانی و اصول موضوعه و روش خاص برای تولید علم دارند. برای مثال، تاریخ ابن‌مشام و ابن‌سحاح تا تاریخ میرزاتقی خان سپهر هر کدام یک روش خاصی دارند. همه از آدم شروع می‌کنند و به خاتم ختم می‌کنند. این مبنا با مبنای تاریخ‌نگاری مدرن فرق دارد. نمی‌توان نظریه ابن‌خلدون را از مبنای تفکر کلامی اشعری او جدا دانست. نمی‌توان آثار اجتماعی فارابی را از مبنای اندیشه مشائی او جدا کرد. بر اساس مبانی معرفت‌شناختی فارابی، علم همان است که داوری ارزشی و هنجاری نیز دارد؛ چون عقل عملی در مبانی معرفت‌شناختی مورد قبول است. انتقادی نیز هست، چون عقل عملی و نقل و سنت را قبول دارد و علم تبیینی است؛ نه به دلیل این‌که پوزیتیویست است بلکه چون علّیت را به امور محسوس محدود نمی‌کنند. و علم تفهیمی است؛ چون برای علم و اراده انسان در حوزه موضوعات علوم انسانی نقش قائل است. در اندیشه فارابی، به دلیل این‌که موضوع حکمت عملی را هستی‌هایی می‌داند که از مسیر اراده و آگاهی انسان شکل می‌گیرد، این هستی‌ها، غیر از هستی‌هایی است که فقط انسان می‌تواند بشناسد، اینها هستی‌هایی است که عزم و اراده انسان آن‌ها را می‌سازد؛ هم تضاد در درون آن راه دارد، چون برای شخصیت انسانی، سطوح معرفت، انگیزه و اندیشه قائل است و هم آرمانی است، چون سعادت و مدینه فاضله دارد و هم رئالیسم

است، چون شناخت را حاکی از واقع می‌داند. هم‌چنین معنوی و قدسی است؛ یعنی سکولار نیست، چون در انسان‌شناسی انسان را محدود به این جهان نمی‌داند و در هستی‌شناسی، هستی را محدود به این دنیا نمی‌داند. او تبیین هستی را در ذیل سطوح عالی‌تر هستی بیان می‌کند. در برهان صدیقین، اول اثبات می‌کند که خدا هست و بعد اثبات می‌کند این عالم است. به اعتقاد او واقعیتی هست (این واقعیت یا ممکن است یا واجب، اگر ممکن باشد واجبی هست، اگر واجب باشد، پس واجب است. او در حالی اثبات واجب می‌کند که تردید نسبت به غیر او نمی‌تواند هم‌چنان وجود داشته باشد. با اثبات واجب اسماء و صفات ذاتی و فعلی او نیز ثابت می‌شود. واجب باید این ویژگی‌ها را داشته باشد.) در فلسفه مشاء سعادت و شقاوت انسان نیز در جغرافیایی قدسی تبیین می‌شود و سپس، نظام اجتماعی را برای رسیدن به این مسئله تنظیم می‌کند، و در ادامه مدینه فاضله، جاهله ضاله و فاسقه تصویر می‌گردد. این تقسیم چهارگانه جوامع نیز ریشه در انسان‌شناسی و هستی‌شناسی خود دارد. تحقیقات میدانی و تجربی بعدی نیز که تحقیقاتی کاربردی است بر مبنای چارچوب نظری خاص خود سازمان یافته و ادامه پیدا می‌کند.

مهران سهراب‌زاده

تابستان ۱۳۹۲

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار.....
---	---------------

۱

۱۳	تئوری در برابر روش‌شناسی.....
۲۴	مفاهیم، وارگان و پدیده‌ها.....

۲

۳۵	تحلیل محتوا.....
۴۰	مقوله‌ها.....
۴۳	متغیرها.....
۴۵	اصل شفافیت.....
۴۵	نتایج تحلیل.....
۴۷	متغیرهای مستقل و وابسته.....
۴۸	طرح تحقیق.....
۵۱	شرایط تحلیل محتوای کیفی.....
۵۲	اشکالات تحلیل محتوای کیفی.....
۵۲	انواع دیگر تحلیل محتوا.....
۵۲	ارسال محرک و تحلیل عکس‌العمل.....
۵۳	قابلیت اعتماد و اعتبار تحلیل محتوای.....
۵۳	پنج واحد کاربردی در تحلیل محتوا.....
۵۴	تحلیل‌های کمی.....
۵۶	انواع تحلیل محتوا.....

۳

۵۹	مشاهده و مشاهده مشارکتی.....
۶۲	مشاهده مشارکتی.....

- ۶۲ ویژگی‌های مشاهده مشارکتی
- ۶۳ رفتار مشاهده‌گر
- ۶۳ مزایای روش مشاهده مشارکتی

۴

- ۶۵ مطالعه تاریخی
- ۷۱ انتخاب یک درونمایه

۵

- ۸۵ روش‌شناسی هرمنوتیک
- ۸۶ روش تحقیق و روش‌شناسی هرمنوتیک
- ۸۸ برخی انتقادات به روش‌شناسی هرمنوتیک
- ۸۸ آزمون‌ناپذیری
- ۸۸ افراط در درون‌گرایی و نگاه کیفی
- ۸۸ تناقضاتی غیرقابل حل
- ۸۹ عدم آشنایی با علوم مثبت و طبیعی و روش‌های آن‌ها

۶

- ۹۱ آینده‌پژوهی
- ۹۲ گستره چشم‌اندازها و نگرش‌های آینده‌پژوهان
- ۹۳ آینده‌پژوهان تقدیری و مایوس
- ۹۳ آینده‌پژوهانی که سناریوهای متفاوتی پیرامون آینده ارائه می‌دهند
- ۹۳ آینده‌پژوهان خوش‌بین، منظرساز و تکاملی
- ۹۵ دوره‌های زمانی مطالعه آینده

۷

- ۹۷ روش‌شناسی قومی یا مردم‌نگارانه
- ۹۹ اشتراک و افتراق با مکتب پدیدارشناسی
- ۹۹ تشابهات
- ۹۹ تفاوت‌ها

۱۰۱	 روش‌شناسی
۱۰۲	 شیوه‌های پژوهش
۱۰۲	 الف. روش‌شناسی مردمی و جامعه‌شناسی عینی
۱۰۴	 ب. یکتا بودن موقعیت
۱۰۵	 ج. زمینه‌ها و روش‌های خاص
۱۰۵	 مفاهیم بنیادی روش‌شناسی قومی
۱۰۸	 آرای هارولد کارفینگل
۱۰۹	 تعاریف
۱۱۰	 ایستایی‌شناسی اجتماعی
۱۱۲	 پنج نظر بنیادی درباره ماهیت واقعیت اجتماعی
۱۱۷	 انتقادات وارده بر روش‌شناسی مردمی
۱۱۸	 نتیجه‌گیری

۸

۱۱۹	 تحلیل طرحواره‌ها
۱۲۳	 انواع طرحواره‌ها
۱۲۴	 طرحواره‌های جهانی، فردی و فرهنگی
۱۲۵	 روش‌های تحلیل طرح‌واره
۱۲۵	 آزمایش
۱۲۶	 مصاحبه
۱۲۷	 تحلیل استعاره
۱۲۹	 تئوری‌های مردمی: مطالعه کمپتون درباره ترموستات خانه

۹

۱۳۱	 روش دلفی
۱۳۳	 عناصر اصلی
۱۳۴	 مراحل انجام روش دلفی
۱۳۶	 فواید و نقاط قوت
۱۳۶	 خروجی‌ها
۱۳۷	 محدودیت‌ها

شرایط مناسب بکارگیری روش دلفی ۱۳۸

۱۰

نشانه‌شناسی در سینما ۱۴۱

۱۱

تحلیل گفتمان ۱۴۷

گفتمان ۱۴۹

رویکردهای تحلیل گفتمان ۱۵۰

مفروضات تحلیل گفتمان ۱۵۱

اهداف تحلیل گفتمان ۱۵۲

تحلیل گفتمان انتقادی ۱۵۲

تفاوت تحلیل گفتمان سنتی با تحلیل گفتمان انتقادی ۱۵۳

اهداف گفتمان‌کاوی انتقادی ۱۵۴

چه واحد تحلیلی را باید در نظر گرفت؟ ۱۵۶

ادبیات به مثابه گفتمان ۱۵۸

۱۲

سخن پایانی: خانه‌های که چک ساخت ۱۶۳

این یک مطالعه تجربی است ۱۶۷

فهرست واژگان (نمایه) ۱۷۳

منابع ۱۷۳